

توضیح: آن چه در زیر ملاحظه می کنید متن پیاده شده نوار گفتگو بین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران (سال 1354) می باشد که از روی نوارهای صوتی به صورت نوشتار در آمده است.

با سپاس از رفقای که در امر تبدیل گفتاری این مذاکرات به صورت نوشتاری، شرکت کردند.

چریکهای فدائی خلق ایران - دسامبر 2010

* * * * *

(نوار شماره دو - قسمت دوم)

تقی شهرام: این امکان نداره. بله، یه جا ممکنه، دو جا ممکنه، سه جا ممکنه. و تازه، کردار ما مگه موجود نبود؟ رو این بحث خواهیم کرد. یعنی این امکان نداره یه کسی بتونه برا یه مدت دراز مدتی، کردارشو از رفتارش جدا کنه، از نمی دونم، گفتارش جدا کنه. یعنی تئوری هایی که می ده، ضد عملش باشه. این امکان نداره. پس شما باید اینو می دیدی که در جریانات سال 52 به بعد ما، یه جریانی هست. یعنی اینا نشون می ده. این انعکاسات خارجی ما، جهت گیری های نظامی ما، جهت گیری های سیاسی ما، جهت گیری های تئوریک ما، باید اینو نشون می داد به شما. حالا به هر حال، شما با این برخورد نکردید، نه داخل ما اومدید، نه خواستید جریانات مارکسیستی ما را تقویت کنید. اصلاً جالب بود، بچه ها می گفتند که، مثلاً، این رفقای فدایی اصلاً نمی خوان بچه های ما مارکسیست بشن. یا اصلاً از دادن کتاب های مارکسیستی ابا می کنند، می ترسند حالا به دلایلی، من نمی دونم چی بود. ولی اصلاً این به طور، به قول معروف، ضرب المثلی شده بود این قضیه. که مثلاً، همون سر جریان همون کتاب، که بارها ما به این کتاب خیلی احتیاج داشتیم، به دلیل آموزش، و نبودش هم. این کتاب، مخصوصاً اون چیزش هم می خواستیم، اون ترجمه خاصش هم می خواستیم. یه ترجمه خوبی کرده بودند. فکر می کردیم شما دارین. بارها و بارها این گروه ها از ما می خواستند و می گفتند که خوب، گرفتید؟ نگرفتید؟ بارها و بارها شده بود. حتی این ضرب المثلی شده بود. یعنی شما اصلاً داخل نمی اومدید. بارها می شد شما اصلاً ارتباطتونو با ما یک هو، می انداختید شش ماه، می رفتی، می اومدی، اصلاً عین خیالتون هم نبود. یک چنین نیرویی را شما، چه نیروهایی بهتر از این؟ شما می دونی، مثلاً فرض کن، خیلی جالبه. شما چقدر بهتر می تونستید از درون سازمان ما عمل بکنید! حتی خرده بورژوازی را به قول خودتون تحت حیطه و هژمونی خودتون در بیارین. حتی عناصر مارکسیست ما را در واقع

حمید اشرف: ما این کار را در رابطه با این جبهه می تونستیم بکنیم که متأسفانه شما زمینه وجودش را

تقی شهرام: ما نداشتیم! شما نمی تونید بگید ما نداشتیم! یه مارکسیست نمی تونه بگه تو نداشتی. چون معلومه، مذهبی نمی ذاره. شما چی کار کردید؟ این نکته مهمه.

حمید اشرف: ما چکار می تونستیم بکنیم؟

تقی شهرام: خیلی کارها. یعنی، یه سازمان مارکسیستی خیلی کار داره بکنه. حالا

حمید اشرف: مثلاً؟

تقی شهرام: حالا به مرور خواهیم دید که اگر ما موندیم، اگر حالا نمی دونم، ما تونستیم، هر شکلی، دیدید که مثلاً با گروه های مذهبی ما چکار می کنیم، حالا خواهیم دید، که چه کار می شه کرد. خیلی کارا می شه کرد، خیلی کارا. منتها شما نمی اومدید جلو، شما به خودتون این اجازه را نمی دادید. حالا دلایلیش چی بود، من نمی دونم. یعنی شما اصلاً

جواد قائدی: شما فقط از زیر می زدید. رفیق.

تقی شهرام: یعنی مثلاً شما می داشتید وسط، اصلاً، می دونی مثلاً؟ یه هو ارتباطات را ول می کردید، مثلاً چهار ماه، حاضر نبودید، مثلاً فرض کنید که، خیلی زمینه ها بود. ما الان مثلاً به این گروه های مذهبی، اینقدر زمینه دادیم. اینا اصلاً تجربه ای تو زمینه مثلاً نظامی ندارن. مثال ها، یکن آقا مثلاً بیا مثلاً با ما کار نظامی مشترک بکنیم. می گیم بیا. چه اشکالی

داره؟ علیه رژیمه. درعین حال ما می تونیم نقطه نظراتمونو، ما می تونیم در اینا نقطه نظر صحیح القا کنیم. ما میتونیم در درونشون جریان مبارزه ایدئولوژیک راه بندازیم. هزار تا کار می تونیم باهاشون بکنیم. می تونن کار فنی تکنیکی، احتیاج دارنند، باهاشون می کنیم. کار انتشاراتی، می کنیم. یعنی، اینقدر کار هست، اینقدر زمینه هست. که واقعاً، این رژیم اینقدر، به قول معروف، مسئله داره، و این قدر تمرکز قدرت داره، که هر نیروی مبارزی به هر حال احتیاج داره به هم دیگه، تا این زمینه ها مادی بشه برای این که بخواد کار بکنه.

حمید اشرف: می دونی اشکال کار، اگر شما تمام این حرف ها را درست بگید، از اینجا ناشی می شه که اون موقعی که جریان رضا رضایی حاکم بود

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و بعد از شهادتش

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: اون جریان از حاکمیت در سازمان افتاد

تقی شهرام: شما نتوانستید اینو تحلیل کنید. این خیلی جالبه.

حمید اشرف: شما هیچ حرکتی در جهت تغییری که رخ داده، و اثبات این تغییر

تقی شهرام: آخه بابا

حمید اشرف: برای ما نکردید.

تقی شهرام: عجیبه.

حمید اشرف: تنها حرکتی که می تونستید بکنید، این بودش که اون مسئله به اصطلاح

جواد قائدی: جوابیه جبهه رو

حمید اشرف: جوابیه جبهه رو

تقی شهرام: اصلاً ما اونا را ندیده بودیم. ببین، این چیزایی که تو داری می گی آخه

حمید اشرف: چطور شما ندیده بودید؟

تقی شهرام: این یک سری مسائل درون تشکیلاتیه. ببین، اینا رو من نمی تونم الان برات بگم، که بعد از جریانات رضا، اصلاً سازمان ما بطور کیفی تغییر کرد رهبریش. یعنی اصلاً شاید عناصرش، بطور غالبی، عوض شد. یه شکل دیگه ای شد اصلاً. حتی این جوابیه که تو داری می گی، من که اینجا نشستم، ندیدم، خیلی رک اش، حالا من نمی دونم، من در هر (نامفهوم...) هستم، خدا می دونه.

حمید اشرف: خوب، پس این نشون می ده که عناصری در رهبری شما بودند که در این جهت برخورد نادرست کردند.

تقی شهرام: باشه

حمید اشرف: یعنی روابط

تقی شهرام: شما کمونیستید. شما باید بکنید. یه کمونیست باید برخورد صحیح تر

حمید اشرف: ما از طریق همان عناصر رهبری که این یادداشت ها را، از شما پنهان نگه داشتند، یا از بین بردند

تقی شهرام: نه

حمید اشرف: با سازمان مجاهدین ارتباط داشتیم.

تقی شهرام: ببین، بعد از جریان رضا، همه این جریان‌ها از بین رفت. در واقع رضا کانون این قضایا بود، و رفت. و خیلی از قضایا هم به اصطلاح، حالا، نمی‌دونم، خوب یا بد، حل شد، نشد، هر چی. ولی مسئله این جاست که شما نمی‌تونید اینو به عنوان به اصطلاح یک

حمید اشرف: نه، ما مجدداً می‌گفتیم، ما از رفقا می‌خواستیم شما

تقی شهرام: ما چه برخورد بدی کردیم؟

حمید اشرف: بعد گفتیم که دوباره نظراتونو بدید

تقی شهرام: راجع به چی

حمید اشرف: راجع به مسائل مختلف.

تقی شهرام: آخه عملاً رفیق، من اینجا نشون دادم به تو که چقدر شما برخوردهای نادرستی با ما داشتید. چقدر در واقع سر ما را بیخ طاق می‌کوبیدید.

حمید اشرف: خیلی خوب ما

تقی شهرام: چقدر مثلاً رل بازی می‌کردید، چقدر ما این‌ها را می

حمید اشرف: ما وقتی که با یک جریان خرده بورژوازی مواجه هستیم که جنبش مارکسیستی را می‌خواهد عملاً

تقی شهرام: بله ضربه

حمید اشرف: تبدیل به یک چیز ضعیفی بکنه

تقی شهرام: درست

حمید اشرف: فقط می‌خواست که با اتکا به اون حمایت‌های طبقاتی

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: که داره، با بسیج طبقاتی خودش،

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: نیروهای نوپای کمونیستی رو

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: تضعیفش بکنه

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: طبعاً ما موضع‌گیری می‌کردیم.

تقی شهرام: ولی آخه، موضع گیری شما اتفاقاً کمونیستی نبود. شما باید می اومدی این سازمان خرده بورژوازی را، ببینید، شما خیلی رک اش، از سازمان ما می ترسیدید، حتی، نمی گم مثلاً می ترسیدی از به چیزی ها!

حمید اشرف: نه، اشکالی نداره، الان واقعیت ها را

تقی شهرام: یعنی می دونی چه جوری می گم می ترسیدی؟

حمید اشرف: می تونیم بحث بکنیم

تقی شهرام: ببینید، می دونید چه جوری می گم می ترسیدی؟

حمید اشرف: ما خودخواهی نداریم که می ترسیدی یا نمی ترسیدی

تقی شهرام: نه، اصلاً خودخواهی نیست. می دونی چه جوری می ترسیدی؟ یعنی شما، این که این ایدئولوژی ما چقدر ضعیفه، و چقدر قابل بر خورده، و چقدر می شه به مسائل خیلی حتی به اصطلاح معمولی در هم شکستش، شما اینو ایمان ندارید، به این دلیل که عملشو نکردید. شما با ما به برخورد ایدئولوژیک نکردید. یک چیز تئوریک ندارید در رد مسائل ایدئولوژیک ما. نیامدید در واقع یک زمینه های حتی تاکتیکی، تکنیکی، نظامی، اینا، فراهم کنید برای این که بخواهید نقطه نظرات ایدئولوژیک خودتونو، همون کاری که ما بعدها کردیم.

حمید اشرف: ما که جنگ حیدری و نعمتی نمی خواستیم بکنیم که.

تقی شهرام: آخه جنگ رفیق، جنگ حیدری نیست. مگه مبارزه ایدئولوژیک جنگ حیدریه؟ با این کلمات، بین، من مخالفم ها! جنگ حیدری و نعمتی، مبارزه ایدئولوژیک نیست. مبارزه ایدئولوژیک، بودند عناصری که بتونند این مسائل رو درک کنند. هیچ لزومی نداشت شما اول بیائین از تقدم ماده بر روح صحبت بکنید، از تقدم ماده بر نمی دونم، شعور صحبت بکنید، نه، زمینه های دیگه بود.

حمید اشرف: ما حداقل روابط لازم داشتیم؟

تقی شهرام: خوب، ایجاد می کردید! ما را وادار می کردید!

حمید اشرف: داشتیم ایجاد می کردیم نشد. چطوری؟

تقی شهرام: نمی شه. همچی چیزی غیر ممکنه. چطور ما الان می تونیم در رابطه با گروه های دیگه این کارو بکنیم؟

حمید اشرف: بله؟

تقی شهرام: چرا همین گروه های مذهبی که الان می بینی در سطح جامعه اینقدر علیه ما هستند، وقتی پیشتازاشون تشکیل می شن، یهو به دو ماه نمی کشه، دو ماه هم به شیش ماه نمی کشه، میان می گن خودشون، به قول معروف، لنگ می اندازن، میگن آقا ما حاضریم با شما کار کنیم. چرا؟ مجبورشون می کنه، جامعه. آخه این آدمی که از نظر سیاسی نمی تونه خط

حمید اشرف: والله الان که جامعه وضعیتش فرق کرده با سابق، این اجبار هست. الان، جنبش مارکسیستی خودشو تثبیت کرده و عملاً

تقی شهرام: قبلاً نبود؟

حمید اشرف: نه قبلاً تثبیت شده نبود

جواد قائدی: ممکنه من یک سنوال بکنم؟

حمید اشرف: بله.

جواد قائدی: شما خودتون با این جریانات مذهبی برخورد دارید الان؟ اصلاً میان پیش شما، با شما برخورد کنن؟

حمید اشرف: نه. واسه این که ما، ریشه تاریخی در بین این ها نداریم.

جواد قائدی: ها!

تقی شهرام: این دلیل نمی شه.

جواد قائدی: نه دیگه، این دلیل نمی شه.

تقی شهرام: ریشه تاریختون مائیم.

حمید اشرف: ما با گروه های مذهبی، این علت که شما با گروه های مذهبی تماس می تونی بگیرد ما، گروه های مارکسیستی، میان سراغ ما، آره، خیلی هم زیاد.

جواد قائدی: خوب، گروه های مارکسیستی سراغ ما هم میان.

حمید اشرف: که گروه های مارکسیستی که با شما هم ارتباط می گرفتند در گذشته، اکثراً، طالب ارتباط گیری با ما بودند. چون اندیشه مون یکه اونا طالب، تمایل دارند که با ما ارتباط بگیرند، مذهبی ها هم تمایل دارند که با شما ارتباط بگیرند. و هنوز هم این جریان، چون شکل جدید خودشو تثبیت نکرده، مثل سابق کماکان هست.

تقی شهرام: آخه، این مسئله

حمید اشرف: و این تدریجاً این شاید حل بشه

تقی شهرام: حالا من یه سوال دارم. تو چرا می خوای این فضا را بذاری تقصیر شرایط؟ چرا نقش خودتونو نمی خواین ببینید؟ چرا شما شرایطو تغییر ندین؟ چرا

حمید اشرف: والله ما شرایط را تغییر دادیم. جنبش کمونیستی رو تثبیت کردیم.

تقی شهرام: نه، این طور

حمید اشرف: شرایطی ایجاد کردیم که حتی این شرایط و به اصطلاح، تثبیت موضع مارکسیست ها، چیزی که نیروهای مذهبی از جمله خود سازمان مجاهدین در گذشته قبول نداشت، فکر می کرد که کمونیست ها نمی تونند در جامعه، خودشونو تثبیت بکنند

تقی شهرام: خیلی خوب، اینا درست.

حمید اشرف: و همین جریانات خود بخود در عرصه جامعه

تقی شهرام: یعنی شما راضی هستید؟

حمید اشرف: شرایطی ایجاد کرد

تقی شهرام: بسیار خوب. شما همه این

حمید اشرف: که خوب، یک سری از نیروهای مذهبی، یعنی همین تحلیل ها، رسیدن به مارکسیسم، یکی از جنبه های اجتماعی و شرایط عینی اش هم همین

تقی شهرام: به هر حال

حمید اشرف: تثبیت جنبش مارکسیستی در جامعه ست.

تقی شهرام: البته، من به این حرف شما، به این شکل به اصطلاح مستقیم اش اعتقاد ندارم. به این دلیل که این، اون موقع که شما اینو می گفتید که واقعاً کوشش لازم را برای به وجود آوردن این

حمید اشرف: نه، خودش کرده

تقی شهرام: چنین شرایط می کردید.

حمید اشرف: تثبیت جنبش کمونیستی هست

تقی شهرام: اگر به طور خود بخودی می گید

حمید اشرف: در جامعه شرایطی را واسه این کار فراهم می کنه.

تقی شهرام: اگر به طور خود بخودی بگید، این همون نقشیه که مثلاً بورژوازی هم در رابطه با خودش، پرولتاریا را مثلاً ایجاد می کنه، متشکل می کنه، و اجباراً تفکر مارکسیستی هم اجباراً در برابر یک چنین رژیم بورژوایی، فقط به اتکای ایدئولوژی پرولتری همیشه باهاش مبارزه کرد. خوب

حمید اشرف: واقعیت دیگری هم هست، و اون این که پرولتاریا به اتکا به قدرت سازمان یافته شه که می تونه اعمال قدرت بکنه

تقی شهرام: آخه

حمید اشرف: تا وقتی که متشکل نشده

تقی شهرام: خیلی خوب.

حمید اشرف: این امکان رو نداره. و عملاً خرده بورژوازی که موقتاً به خاطر شرایطی که داره، به خاطر تشکل سیاسی بهتری که داره به خاطر شرایط اقتصادی، خوب، اون نمی پذیره. ولی بعدها در جریان عمل، در عرصه حرکت اجتماعی

تقی شهرام: خوب، اون که عرصه حرکت تاریخه، اجتماع ست، این ها درست.

حمید اشرف: نه مسائل

تقی شهرام: ببین، ما داشتیم اینو بررسی می کردیم که شما چه کار خاصی در این مورد نکردید می تونستید

بکنید و نکردید. تأثیراتی که شما بطور جوی و زیربنایی می تونستید تو جامعه بذارید، همه اش درست. تأثیری که نمی دونم، فرض کنید که به هر حال عمل شما در تثبیت یک نقطه نظر مارکسیستی در اون قسمتش می تونستید بذاره، اینا قبول، درست و کاملاً پسندیده. اینا درست؟ اما ما از شما چیز دیگری را در عین حال، الان ها، نه اون، اون موقع، الان که خوب، طبیعتاً قضیه عوض شد. ما انتظار داشتیم که شما در عین حال نزدیک تر بشید، بیاید جلو تر.

حمید اشرف: ما بارها و بارها پیشنهاد کردیم.

تقی شهرام: اون وقت، شما ببینم، دنبال اون صحتی که کردید، گفتی که ما بعد از جریان رضا نتونستیم این جریان تغییر رهبری را بفهمیم، متوجه بشیم، این واقعاً نکردید نتونستید، یا نمی خواستید یا این که (نامفهوم...)

حمید اشرف: ما تلاش‌هایی کردیم که ارتباطات را بیشتر، ما حتی پیشنهاد کردیم که جلسه دو به دو بذاریم. و جلسه یک به یک رو، و حتی من اینو مطرح کردم (نامفهوم...)

تقی شهرام: من یادم نیست. ما یادمون نمی‌آد. یک چنین چیزی

حمید اشرف: خوب، پس رفیق رابط کوتاهی کرده در این مورد.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: چون که من به طور مشخص طرح کردم، حتی گفتم که بیاید یه کمیته ای برای جبهه به وجود بیاریم.

تقی شهرام: ببین، این اصلاً طرح تو راجع به جبهه، اینو بت بگم، من نمی‌دونم چقدر هست، اینو ما می‌تونیم یادداشت کنیم از اون رفیق رابط بپرسیم،

حمید اشرف: بله

تقی شهرام: به طور مشخص به ما منتقل نشده. یعنی مسئله، طرح، مسئله شما به نام جبهه، به ما منتقل نشده. این از این نظر.

حمید اشرف: چرا، ما بر حسب حتی من

تقی شهرام: ببینم، بعد از رضا؟

حمید اشرف: بعد از رضا، و می‌تونم بگم سال ۵۲ این کار شد.

تقی شهرام: شما این را بنویسید

حمید اشرف: یعنی مثلاً بهار تابستون ۵۲،

تقی شهرام: بهار یا تابستون 53

حمید اشرف: ما پیشنهاد می‌کردیم که یه کمیته ای، کمیته جبهه به وجود بیاریم. کمیته ای برای، یعنی یه بار شد که رفیق، رفیق رابط خیلی ناراحت بود و این ارتباطات ما سازنده نیست، ما، اصلاً فایده ای نداره

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: ارتباطاتمون هیچ کاری صورت نمی‌گیره، جدایی وجود داره. من گفتم بیایم مسائلمونو برخورد کنیم باهاش. اگر جدایی هست، این جدایی را چه طوری به نزدیکی تبدیل کنیم.

تقی شهرام: درست

حمید اشرف: بالاخره یه راهی باید داشته باشه

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: برای این که بیایم چیز بکنیم، دو، چندین طرح ما دادیم. یه طرحش این بود که بیایم انتقاداتو بنویسیم با هم.

تقی شهرام: ها، ما اینو قبول نمی‌کردیم.

حمید اشرف: که شما قبول نکردید.

تقی شهرام: دلایلم هم گفتم چرا.

حمید اشرف: بله. و

تقی شهرام: دیگه، طرح دیگه ای من خاطر من نیست.

حمید اشرف: نه رفیق بین، من حالا، این مسئله ای که شما خیلی انگشت می دارید

تقی شهرام: حالا تحقیق می کنیم.

حمید اشرف: که می گید قبول ندارید این هم اگه بیشتر صحبت کنیم، به نقطه ضعفش می رسیم.

تقی شهرام: که چی؟

حمید اشرف: نقطه ضعفش این هستش که مائی که می گفتیم بیاییم مسائلمونو حل کنیم، درحقیقت یحتمون نزدیکی بود دیگه

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: ما که نمی خواستیم بیشتر جدا بشیم. ما، اگر شما از ما انتقاد می کردید، و ما می خواستیم با غرور، انتقادات شما را، یا با اتکا به این که معیارهای مشترک نداریم، رد بکنیم

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: که خوب، بدتر از شما جدا می شدیم. ما هم در رابطه با یک سری معیارهای مشترک انقلابی، در رابطه با همون مبارزه ضد امپریالیستی که می کردیم، می تونستیم انتقاداتی را بپذیریم. و شما به این مسئله هم توجه نکردید

تقی شهرام: آخه

حمید اشرف: بخشی از انتقادات بود که می تونستیم بگیریم، آقا، ما دو تا نیرو که بر علیه امپریالیست مبارزه می کنیم، از نظر ایدئولوژیک، از نظر نمایندگی طبقات مختلف، فرق داریم با هم.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: ولی در رابطه با همین تعهدی که نسبت به مبارزه ضد امپریالیستی داریم، یه معیارهایی داریم.

تقی شهرام: بسیار خوب، ولی آخه عملاً شما

حمید اشرف: در رابطه با همین معیارها، ما درست عمل کردیم و شما درست عمل نکردید. حداقل انتقاد در این سطح را که می تونستید مطرح بکنید

تقی شهرام: آخه هر انتقادی در این سطح چون ما واقعاً، این نکته مهم بود، در عین حال، ما مارکسیسم رو قبول داشتیم و مذهب رو قبول نداشتیم، ما نمی تونستیم این کار رو بکنیم. بین، آخه یک جریانی (نامفهوم...)

حمید اشرف: مسئله مذهب نیست.

تقی شهرام: آخه نمی تونستیم!

حمید اشرف: اجازه بدید، شما اگه یه تحلیل واقع بینانه ای داشتید خودتون را می شناختید.

تقی شهرام: خیلی خوب،

حمید اشرف: نه اینکه به، به اصطلاح، اندیشه ها و احساس ها و تمایلات، به قول خودتون، چهار نفر از عناصر رهبری توجه داشته باشید.

تقی شهرام: بسیار خوب

حمید اشرف: شما عده ای از عناصر رهبری بودید، که به قول خودتون چهار پنج نفر، به مارکسیسم رسیده بودید

تقی شهرام: خوب

حمید اشرف: حالا می خواستین سازماناً از موضع مارکسیستی با ما برخورد کنید. خوب، این که نمی شد.

تقی شهرام: خوب ما این کار را نمی کردیم.

حمید اشرف: کار واقع بینانه چی بود؟ کار واقع بینانه این بود که بگید آقا، ما، به پروسه، خودتون این تحلیل رو می کردید، می گفتید ما تو یک پروسه ای که می خواهیم رشد بکنیم و به یک جریان مارکسیستی برسیم. ولی فی الحال چه هستیم؟

تقی شهرام: بسیار خوب

حمید اشرف: فی الحال موجودیت ما چیه؟ یعنی اون جریان و جنبه غالبی که پدیده مجاهدین داره، همون جریان به اصطلاح ایدئولوژی

تقی شهرام: آخه شما به برخورد مارکسیستی نمی کردید.

حمید اشرف: التقاطیه همان جریان اجازه بده!

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: اون جریان هست. یعنی ما الان به جریان التقاطی هستیم که یک جریان سالمی داره توی ما رشد می کنه. ولی اون جریان سالم، یک جوجه است

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و اون جریان غالب، یک کل، یعنی عنصر اصلیه.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: خیلی خوب، حالا این عنصر اصلی هستش که داره رابطه می گیره با یک جریان دیگه، مثلاً، سازمان چریک های فدایی خلق. در این رابطه، ما با توجه به گذشته مون، موجودیتمون، هدف هامون، و اون نقاط اشتراکی که همون کل مون داره با این ها، در همین رابطه، ما به هم انتقادات داریم. از این نقطه شروع بکنیم، انتقاداتمونو مطرح بکنیم. با توجه به معیارهای مشترک که هیچکدوم نمی تونیم زیرش بزنینم، که همون معیارهای مبارزه ضدامپریالیستی، ضد دیکتاتوری هست. بیا انتقاداتو مطرح بکنیم. یک. فتح بابی بکنیم.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: ببینیم اینا چی میگن، حداقل عملاً، ببینیم که این ها چی میگن، حرف هاشون چیه، یک مقدار بیشتر سونداژ بکنیم مسئله را. و در حقیقت، این جا شما بودید که وحشت زده بودید از این کار، که این سونداژ را نکردید.

تقی شهرام: آخه ما اگر

حمید اشرف: یعنی اگر شما به سونداژی، خوب، شروع، چه ضرری داشت؟

تقی شهرام: بین رفیق،

حمید اشرف: شاید اون چند تا مارکسیست می ترسیدند که

تقی شهرام: نه

حمید اشرف: ما مثلاً، بیائیم از موضع مارکسیستی انتقاد بکنیم و چی بشه

تقی شهرام: آخه قضیه این طوری بودش که

حمید اشرف: چه بلایی سرتون می آمد!

تقی شهرام: نه، هیچ مسئله هیچ بلایی به سر نمی اومد. قضیه این طوری بودش که ما در عین حال، یک جریانات نادرست، و برخوردهای نادرستی در شما می دیدیم. بین رفیق، این طوری بود قضیه، که ما، مثلاً فرض کن، در شما یک موضع غرور آمیزی، بطور خیلی ذهنی می دیدیم.

چریکهای فدائی خلق ایران

www.siahkal.com

www.ashrafdehghani.com

e-mail: ipfg@hotmail.com